



نجیب مایل هروی*

متون را نباید همانند کتاب داستان چاپ کرد



تحقیق، چرا کتاب‌های تقلیدی افزایش پیدا کرده است؟ چه عواملی را در این موضوع دخیل می‌دانید؟ این موضوع عامل اقتصادی دارد. عده‌ای می‌خواهند از این راه مشکلات اقتصادی خود را حل کنند، یک عده دیگر هم برای این که امتیازات اداری به دست بیاورند؛ ولی در ادوار کنونی درباره مالکیت معنوی و فکری امکاناتی هست که این موضوع را به حداقل برساند. یکی از این امکانات هم نقد است. نقد بزرگترین مانع برای جلوگیری از کتابسازی است.

در زمینه نقد آثار چه باید کرد؟ آیا می‌توان به تأسیس مرکزی برای این زمینه اندیشید یا می‌باید نقدهای تخصصی را در نشریات علمی جدی‌تر گرفت؟

در نقد آثار می‌باید محل انتشار روشن شود. عده‌ای تصور می‌کنند تحقیق و تفکر مقوله‌ای عرضی است در حالی که عنصر اصلی دانش پدیده‌ای گوهری است؛ یعنی می‌باید رفته‌رفته از اعراض کاست تا سرانجام در مرحله‌ای از حیات یک متفکر یا محقق، علم به صورت یک گوهر درآید. اگر چنین شود دیگر به دنبال عرضیات نخواهند رفت. اما موانع هم بر سر راه کسانی که در پی عرضیات هستند لازم است و یکی از این موانع اولیه و بسیار سازنده نقد است.

غیر از نقد چه راه‌هایی وجود دارد؟ آیا نظارت نهادهای مسئول می‌تواند کارساز باشد؟

نهادهای مسئول باید در زمینه کارشان مسلط باشند؛ یعنی یک مرکز فرهنگی باید آن قدر مسلط باشد که براحتی بداند خاستگاه این تفکر متعلق به کیست و زمانی که برای مالکیت

برای آغاز لطفاً از پیشینه کتاب‌سازی و انتحال بگوئید. در حقیقت عامل اصلی این که برخی به خود اجازه می‌دهند به اثر فرد دیگری تجاوز مادی و معنوی بکنند، چیست؟

هیچ دوره‌ای از ادوار پیشین و هیچ فرهنگی — از جمله فرهنگ ما — از این آسیب برکنار نبوده است؛ یعنی عده‌ای در زمینه کتابسازی و پخته‌خواری کارهایی کرده‌اند با این تفاوت که در گذشته گاه موضوع برعکس بوده؛ برای مثال ابوسهل مسیحی اثری نوشته و به نام ابوریحان عرضه کرده؛ یعنی در گذشته گاه افرادی بوده‌اند که آثارشان را به جهت این که خواننده و مؤثر واقع شود، به نام کسانی عرضه می‌کردند که مطلوب بودند و آثارشان خوانده می‌شد. این پدیده به عنوان «نسخ» در کتاب‌های بلاغی به عنوان یک صنعت مطرح شده؛ مثلاً در دقایق الشعر حلاوی بحث مفصلی در این باره هست. چون شعر و نظم طرفدار زیادی داشته، به این زمینه مجال طرح می‌دادند و دیوان‌های شاعر دیگری را به نام خود عرضه می‌کرده‌اند، البته حافظ هم تا حدی به این موضوع متهم بوده که این را باید پدیده سخن‌آرایی دانست. در کتاب‌های فارسی از قرن هفتم تا نهم در پانصد اثر خرد و کلان این موضوع قابل مشاهده است. بسیاری، آثار دیگران را با افزودن دیباچه‌ای به خود منتسب کرده، به حاکم وقت هدیه کرده و از این طریق امتیاز گرفته است. از میانه قرن چهارم تا قرن نهم نیز پانصد اثر داریم که همه نامستند است و ظاهراً بسیاری بر اساس کتاب‌سازی، کارهای دیگران را به نام خود عرضه کرده‌اند.

در دوران جدید و با وجود تکنولوژی‌های موجود در امر

* نسخه‌شناس و پژوهشگر متون عرفانی



معنوی در واقع گوهری بودنش به صورت درستی اندیشیده نشود، همچنان این آسیب را بیش از پیش خواهیم داشت و علتش این است که فواید عَرْضی دارد و ما باید از فواید عَرْضی علم روزبه‌روز اجتناب کنیم و علم را به صورت گوهری مطرح کنیم.

یکی از حوزه‌های مهمی که کتاب‌سازی در آن افزایش یافته، حوزه تصحیح متون است که متأسفانه در این باب، کتاب‌هایی وارد بازار شده که بخش عمده آن برگرفته از آثار مصححان پیشین است. با توجه به این که موضوع نقد در این باره کمتر مد نظر قرار می‌گیرد، در باب تصحیح متون چه باید کرد؟

معادلات خیلی زیادی پیش روی ما هست که می‌توانیم از آن‌ها تبعیت کنیم. این معادلات و این کلیدها را باید نخست تهیه کنیم و بعد، مسئله مهم، موضوع نقد متون است که معمولاً بعد از ترجمه روی آن فکر می‌شود، در حالی که اگر تصحیح متن بر اساس قاعده صورت گیرد از ترجمه و تألیف دشوارتر است و اگر بی‌قاعده عمل شود راحت‌ترین کار است و باید این قاعده‌ها و اصول را عموماً دنبال کنیم؛ یعنی اول باید کلیدهای این زمینه فراهم شود و سپس نقد متون را پدیده‌ای جدی بگیریم. مراکز به صورت جدی در این زمینه تشکیل شود و وقتی متون با فوریت عرضه می‌شود، نقد شود تا مصححان تصور نکنند که این کار، کاری ماشینی است و باید تندتند کار کنند. مثلاً وقتی قرار است متنی از قرن هفتم تصحیح شود، باید روحیه و شناختمان را به سمت هفتصد سال قبل حرکت دهیم و این خیلی دشوار است. ناشران هم برای تولید متون کهن — از حروفچینی و نمونه‌خوانی گرفته تا صفحه‌آرایی و چاپ — از افراد کارشناس استفاده کنند. روش چاپ این متون با دیگر کتاب‌ها فرق می‌کند و آنها را نباید مانند کتاب داستان چاپ کرد. متون کهن حتی حروفچینی خاص خود را می‌طلبند.

نظام آموزش عالی برای تألیف کتاب‌ها و مقالات امتیازاتی قائل شده که این موضوع در گرایش به پخته‌خوانی بی‌تأثیر نبوده است. به عقیده شما در این زمینه چه باید کرد؟

عموماً باید افرادی در این زمینه کار کنند که مسلط باشند و وقتی ما در زمینه فرهنگ اصول را رعایت کنیم، خودبه‌خود آسیب‌ها کم می‌شود. وقتی یک محقق یا کتابشناس تفکر را

در ادوار گوناگون می‌شناسد و سبک‌های فرهنگی را درک می‌کند و در این زمینه‌ها مسئولیت می‌پذیرد، براحتی نباید چیزی را از نظر او دور نگه داشت.

یعنی می‌فرمایید میزان و کسانی که در کار صدور مجوز کتاب هستند باید متخصصانه تر عمل کنند؟

عموماً باید در همه ابعاد اعم از آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، مشاوران جدی وجود داشته باشند. کسانی که به صورت گوهری در عرصه فرهنگ فعالیت می‌کنند باید به دور از پراکنده‌کاری و به شکل کاملاً تخصصی کار کنند تا در این زمینه به پختگی برسند. علم را باید چونان یک گوهر نگریست و این گوهر، خود سازنده خواهد بود.

یکی از موارد تأثیرگذار در موضوع کتاب‌سازی، ناشرانی هستند که به صورت غیر حرفه‌ای به کار نشر روی آورده‌اند. به عقیده شما برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع آشفته بازار نشر چه باید کرد؟

در واقع فعالان فرهنگی باید دارای وجدان آگاه باشند. وجدان آگاه، انسانی را که به سوی علم می‌آید، اگر پخته‌خوانی کند و کار دیگری را به نفع خویشتن ضایع کند، به هیچ روی آرام نمی‌گذارد. حال اگر اهلش، به حرمت علم، سکوت کرده‌اند و این موضوع را مطرح نمی‌کنند، بد می‌کنند. عموماً نظر بنده این است که آگاهی و شناخت، نخستین گام پرهیز از آسیب‌ها و آشوب‌هاست؛ یعنی وقتی ناآگاهانه وارد این مقولات بشویم، طبیعی است که سخنانمان رونده است و این آسیب‌ها افزون می‌شود، ولی با همه این امکانات، با نقد مؤثر و وجدان علمی می‌توان آسیب‌ها را به حداقل رساند. اگر نگاه همه‌جانبه داشته باشیم، پخته‌خوانی جایی باز نمی‌کند و ناشر درک می‌کند این کار که ارزش گوهری ندارد، درخور عرضه کردن نیست و این اثر جایی پیدا نخواهد کرد. به هر حال ما در قضاوت‌ها و داوری‌هایمان باید آن قدر آگاهی داشته باشیم که بدانیم اگر سخنی از بهر معاینه و شناخت دقیق مطرح نکنیم، این خدشه کلانی برای خودمان ایجاد می‌کند. به معنای دیگر، کلمه گناه را می‌شود مطرح کرد و این گناهان به ظاهر خرد، به علت آسیبی که به دیگران می‌رساند، نمی‌تواند کمتر از گناهان کبیره باشد. متأسفانه برخی از فرهنگیان ما چنین مشکلی دارند و متأسفانه قوانینی هست که از این موضوع حراست می‌کند؛ برای مثال ناشران پس از آن که سی سال از مرگ



و سوم تحقیق و مالکیت معنوی که بسیار مقوله حساسی است؛ یعنی از مالکیت مادی هم حساس تر است. مالکیت معنوی باید بسیار فراوان مطرح شود و درخور توجه قرار گیرد.

رسالت مرکز پژوهشی میراث مکتوب را در زمینه تصحیح متون چگونه ارزیابی می کنید؟ مجلات گزارش میراث و آینه میراث در موضوع نقد سازنده چگونه تأثیرگذار بوده اند؟

مرکز پژوهشی میراث مکتوب می تواند موضوع نقد را جدی بگیرد. همچنان که اهتمام می کند و با توجه به مجموعه فراز و فرودها در فرهنگ، بسیار خوب فعالیت کرده است. این مرکز باید بکوشد که کلیدهای تحقیقاتی مربوط به متون را تهیه و متون را قبل از چاپ معرفی کند که این متن برای چاپ در این مرکز عرضه می شود و صاحب اثر مقالاتی در باب آن متن بنویسد و متونی که در مرکز به چاپ می رسد حتماً خیلی مهم و جدی باشد؛ به این معنا که گاه متنی داریم که بنتهایی صد سؤال را روشن می کند و گاه متونی داریم که ده سؤال را هم روشن نمی کنند. باید متونی انتخاب شود که از این جهت اولویت داشته باشد و ارزش های جدی داشته باشد. نسبت به چاپ فاکسیمیل و نسخه بردان خوشبختانه در این چند سال حرکت های مرکز پژوهشی میراث مکتوب مایه امید شده است. عموماً باید نسخ چهار قرن اولیه فرهنگی حتماً عرضه شود که هم اکنون انجام می شود و یک مقدار سعی شود گسترده تر عمل شود و این مرکز، مراکز دیگری را که در واقع پراکنده کاری می کنند، در خودش جمع کند که این جمع کردن می تواند مفید واقع شود. ■

مؤلف بگذرد، آثار او را بسیار بد حرفچینی می کنند و یک ظاهر آبرومند به اثر می دهند و بعد عرضه می کنند و از این جهت نفع اقتصادی به دست می آورند. این تعداد افراد و ناشران در جامعه می توانند شناخته شوند. در نتیجه راهایی هست که بتوان بدون هیچ گونه ازدحام و چون و چرا این زمینه را محدود کرد؛ به حدی که به هیچ عنوان رشد نکند. ولی دوره ای در فرهنگ بشر نبوده است که این زمینه ها نبوده باشد.

برای مبارزه با فرهنگ پخته خواری در سطح دانشگاه ها و بویژه پایان نامه سازی چه راهکاری ارائه می کنید؟

قطعاً کلیدها باید آماده شود؛ کلیدهای کتاب شناسی و کلیدهای نسخه شناسی. آثار معاصر باید در بانکی جمع آوری شود. کتابخانه ملی باید مرکزی داشته باشد که صاحب اثر وقتی اثر را به ناشر می دهد، پس از آن که اثر عرضه شد خبرش در آن کتابخانه حفظ شود؛ یعنی امروز مرکزی نیست که از طریق آن به «خبر» کتاب هایی که چاپ شده دسترسی داشته باشیم؛ در حالی که این خبرها باید در کتابخانه ملی نگهداری شود؛ چون کتابخانه ملی مجوز لازم را برای رده بندی و نمایه سازی آثار به ناشر عرضه می کند و می تواند چنین چیزی داشته باشد و علاوه بر نسخه چاپی، نسخه خیر مؤلف را هم داشته باشد. مراکز دیگر غیر از این کتابخانه هم می توانند این کار را انجام دهند که این موضوع خدمتی به اهل فرهنگ است و می تواند مفید باشد.

بنابراین برای جلوگیری از کتاب سازی این راهها موثر است: نخست وجود کلیدها، دوم درک گوهری از علم و دانش،

